

وضعیت خودکارآمدی کتابداران دو دانشگاه فردوسی مشهد و علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی مشهد و رابطه آن با مهارت‌های سواد اطلاعاتی آنان

نسرین نصیری پور^۱، محسن نوکاریزی^{۲*}، معصومه تجعفری^۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۲۰

چکیده

هدف: هدف بررسی وضعیت خودکارآمدی کتابداران دو دانشگاه فردوسی مشهد و علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی مشهد و رابطه آن با مهارت‌های سواد اطلاعاتی آنان است.

روش: این پژوهش کاربردی به روش پیمایشی انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی کتابداران شاغل در کتابخانه‌های دو دانشگاه مذکور بود (۱۰۲ نفر). حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان تعیین شد (۸۰ نفر) که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای غیرنسبتی نمونه مورد نظر انتخاب شد. گردآوری داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته و تجزیه و تحلیل داده‌ها، با کمک نرم‌افزار اس.بی.اس.اس. در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام گرفت.

یافته‌ها: وضعیت خودکارآمدی کتابداران جامعه تحت بررسی، مطلوب بود. بین مهارت‌های سواد اطلاعاتی کتابداران و خودکارآمدی آنها رابطه معناداری وجود داشت. همچنین بین سطوح پایه و پیشرفته سواد اطلاعاتی کتابداران با خودکارآمدی آنها رابطه وجود داشت؛ اما رابطه معناداری بین سطح مقدماتی سواد اطلاعاتی و خودکارآمدی وجود نداشت. بین میانگین نمرات خودکارآمدی کتابداران بر حسب رشته تحصیلی، مدرک تحصیلی (کارشناسی ارشد و کارشناسی) و همچنین سابقه خدمت، تفاوت معناداری دیده نمی‌شد.

اصالت اثر: موفقیت و بالندگی جامعه ارتباط مستقیمی با باور افراد از قابلیت‌های خود دارد. در این زمینه ارزیابی خودکارآمدی ضروری است. همچنین از آنجایی که خودکارآمدی عامل مهمی در شناخت دانش، مهارت و بینش افراد از خود است، بررسی رابطه آن با مهارت‌های سواد اطلاعاتی شاید به یادگیری مستقل و مداوم کتابداران کمک شایانی کند. بر این اساس، نتایج این پژوهش به صورت عینی و مطلوب‌تری در تدوین سیاست‌های صحیح و برنامه‌ریزی‌ها، مورد استفاده مدیران و مسئولان کتابخانه قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: خودکارآمدی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، کتابخانه‌های دانشگاهی، کتابداران، مهارت‌های سواد اطلاعاتی.

* مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم است.

۱. کارشناس ارشد، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، مشهد، ایران
nasirpournasrin@gmail.com
۲. دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، مشهد، ایران
mnowkarizi@um.ac.ir
۳. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، مشهد، ایران
tajafari@um.ac.ir

مقدمه

داشتن دانش، مهارت‌ها و دستاوردهای قبلی، همواره پیشگوه‌های مناسبی برای عملکرد مطلوب افراد نیستند، بلکه باور انسان درباره توانایی‌های خود، بر چگونگی عملکرد فرد مؤثر است. بین داشتن مهارت‌های مختلف با توان ترکیب آنها با روش‌های مناسب برای انجام دادن وظایف در شرایط گوناگون، تفاوت آشکاری وجود دارد.

آلبرت بندورا^۱ (۱۹۹۷) از نظریه‌پردازان دیدگاه شناختی - اجتماعی محسوب می‌شود که سازوکارهای تأثیرگذار بسیاری را بررسی کرده است، سازوکارهایی که نقش بنیادی در انجام دادن تکلیف دارند. وی در میان سازوکارهای تأثیرگذار، هیچ‌کدام را در کنترل کارکرد، پرنفوذتر از خودکارآمدی^۲ نمی‌داند. خودکارآمدی و عوامل مؤثر بر آن سال‌هاست که در کانون توجه روانشناسان جای دارد. بندورا خودکارآمدی را دریافت و داوری فرد درباره مهارت‌ها و توانمندی‌های خود برای انجام دادن کارهایی که در موقعیت‌های ویژه به آنها نیاز است، تعریف می‌کند.

بعضی بر این عقیده‌اند که ارتباط نزدیکی بین خودکارآمدی و عملکرد فرد در ارائه وظایف محوله وجود دارد. خودکارآمدی واسطه بین دانش و عمل به آن است. در آموزش، پژوهشگران به این نتیجه دست یافتند که خودکارآمدی در به‌کارگیری دانش و مهارت‌های علمی و حرفه‌ای نقش دارد (زیمرمن^۳، ۲۰۰۰). از سوی دیگر، خودکارآمدی معیار داشتن مهارت‌های شخص نیست، خودکارآمدی تنها زمانی بر عملکرد تأثیر می‌گذارد که شخص مهارت‌های لازم برای انجام دادن کار ویژه‌ای را دارا باشد و برای انجام دادن آن کار، به اندازه کافی برانگیخته شود (فراری^۴، ۱۹۹۱).

به‌نظر بندورا (۱۹۹۷) قضاوت فرد درباره خودکارآمدی بدون توجه به اینکه چنین قضاوتی درست باشد یا غلط، از چهار منبع اطلاعاتی حاصل می‌شود. در حقیقت خودکارآمدی افراد تحت تأثیر این چهار عامل شکل می‌گیرد: ۱. تجربه‌های موفق؛ ۲. تجربه‌های جانشین؛ ۳. ترغیب کلامی یا اجتماعی و ۴. حالت‌های عاطفی و فیزیولوژیکی. منابع خودکارآمدی ذاتاً آگاهی‌دهنده نیستند، آنها داده‌های خامی هستند که از طریق پردازش شناختی، کارآمدی و تفکر انعکاسی آموزنده می‌شوند. بنابراین، باید بین اطلاعاتی که از وقایع و رویدادها کسب می‌شود و اطلاعات و دانش‌هایی که روی خودکارآمدی اثر می‌گذارند، تفاوت قائل شد. بندورا اعتقاد دارد کسانی که خودکارآمدی زیادی دارند، هدف‌های چالش‌برانگیزتر و بالاتری را برمی‌گزینند، خود را بیشتر باور دارند، کوشش و پافشاری بیشتری نشان می‌دهند، یادسپاری آنها بهتر است، راهبردهای

یادگیری سودمندتری را به کار می‌برند و سرانجام، کارکردشان در انجام دادن کار بهتر است. ولی کسانی که خودکارآمدی کمتری دارند، به آسانی در برخورد با سدها یا شکست‌ها دلسرد می‌شوند. به اعتقاد کی‌پر^۵ (۲۰۰۰) اگر افراد باور کنند که فعالیت سبب افزایش شایستگی‌هایشان می‌شود و آنها را به هدف مورد نظر خویش رهنمون می‌کند، به یادگیری مهارت‌ها و حل مسائل توجه بیشتری نشان می‌دهند. در واقع خودکارآمدی به افراد انگیزه و اعتماد به نفس می‌دهد تا بتوانند به‌طور مؤثری مسائل را حل کنند. در این زمینه شاید خودکارآمدی معیار مناسبی برای ارزیابی افراد از توانمندی‌های خودشان باشد؛ لذا بینش خودکارآمدی لازمه یادگیری مداوم است. از این رو، شاید کسب سواد اطلاعاتی به داشتن روحیه خودکارآمدی و باور داشتن توانایی‌های بالقوه و بالفعل مشروط باشد.

از سوی دیگر، طی سال‌های اخیر و پس از آشکار شدن اهمیت تجهیز استفاده‌کنندگان به دانش و بینش چگونگی استفاده بهینه از اطلاعات، به تدریج نقش عوامل مختلف در ایجاد، گسترش و بهبود سواد اطلاعاتی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت. در تمام این تحقیقات، یکی از مؤثرترین و مرتبط‌ترین گروه‌هایی که همواره به جایگاه آنان در این زمینه اشاره شده است، کتابداران و متخصصان اطلاع‌رسانی هستند.

نظر به نقش مهم سواد اطلاعاتی در حرفه کتابداری، لزوم شناخت حرفه‌مندان کتابداری و اطلاع‌رسانی از قابلیت‌های خویش ضروری است. موفقیت و بهبود عملکرد این گروه ارتباط مستقیمی با باور ایشان به توانایی‌ها و قابلیت‌های خود برای به کار بستن مهارت‌هایشان دارد. از این رو ارزیابی خودکارآمدی کتابداران و رابطه آن با سواد اطلاعاتی ایشان ضرورت می‌یابد. بنابراین پس از بررسی باور خودکارآمدی در جامعه هدف، مسئله مورد بحث در پژوهش حاضر این است که مشخص نیست آیا رابطه‌ای بین خودکارآمدی کتابداران جامعه هدف و مهارت‌های سواد اطلاعاتی آنها وجود دارد؟ و اگر چنین رابطه‌ای هست تا چه حد تعیین‌کننده خواهد بود؟ برای پاسخگویی به پرسش‌هایی از این قبیل، پژوهش حاضر با هدف اصلی بررسی وضعیت خودکارآمدی کتابداران دو دانشگاه فردوسی مشهد و علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی مشهد و رابطه آن با مهارت‌های سواد اطلاعاتی آنان انجام گرفت. در همین زمینه و برای رسیدن به هدف اصلی، اهداف فرعی ذیل مورد توجه قرار گرفت: تعیین ارتباط بین سطوح مهارت‌های سواد اطلاعاتی با خودکارآمدی کتابداران، تعیین تفاوت بین خودکارآمدی کتابداران رشته‌های تحصیلی، دارای مدارک تحصیلی و سوابق خدمت مختلف.

پرسش پژوهش

وضعیت خودکارآمدی کتابداران دو دانشگاه فردوسی مشهد و علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی مشهد چگونه است؟

فرضیه‌های پژوهش

۱. بین خودکارآمدی کتابداران و مهارت‌های سواد اطلاعاتی آنها رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین خودکارآمدی کتابداران و سطوح مهارت‌های مقدماتی، پایه و پیشرفته سواد اطلاعاتی آنها رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین میزان خودکارآمدی کتابداران رشته‌های تحصیلی مختلف (کتابداری، کتابداری پزشکی و غیرکتابداری) در دو دانشگاه فردوسی مشهد و علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی مشهد، تفاوت معناداری وجود دارد.
۴. بین میزان خودکارآمدی کتابداران دارای مدارک تحصیلی مختلف (کارشناسی و کارشناسی ارشد) در دو دانشگاه فردوسی مشهد و علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی مشهد، تفاوت معناداری وجود دارد.
۵. بین میزان خودکارآمدی کتابداران دارای سوابق خدمت مختلف در دو دانشگاه فردوسی مشهد و علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی مشهد، تفاوت معناداری وجود دارد.

پیشینه پژوهش

در این قسمت مرتبط‌ترین پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه مرور می‌شود. سبحانی‌شهر (۱۳۹۰) پژوهشی با هدف بررسی تأثیر مهارت‌های سواد اطلاعاتی بر خودکارآمدی دانشجویان علوم پزشکی انجام داد. روش پژوهش، پیمایشی و نوع آن کاربردی بود. برای انجام دادن این پژوهش از ۳۰۱ دانشجوی پزشکی و پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به روش انتخاب تصادفی و تکمیل پرسشنامه استفاده شد. نتایج حاصل از توزیع فراوانی نمونه‌ها نشان داد که ۲۵/۶ درصد مذکر و ۷۳/۸ درصد مؤنث بودند. همچنین دانشجویان پزشکی ۵۷/۵ درصد و دانشجویان پرستاری ۴۲/۵ درصد حجم نمونه را تشکیل داده بودند. با توجه به نتایج حاصل از آزمون تی مشخص شد، بین مهارت‌های سواد اطلاعاتی دانشجویان با کسب خودکارآمدی آنها رابطه وجود داشت که این ارتباط به جنسیت، رشته تحصیلی، سال ورود به دانشگاه و سن دانشجو وابسته نبود.

در همین زمینه، پژوهش دیگری به منظور بررسی میزان تأثیر مهارت‌های سواد اطلاعاتی بر باور خودکارآمدی دانشجویان دانشگاه بیرجند، توسط نوکاریزی و دهقانی (۱۳۹۲) صورت پذیرفت. طبق جدول مورگان و روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبتی، ۳۵۰ نفر به‌عنوان نمونه تعیین شدند. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که به‌طور کلی، بین مهارت‌های سواد اطلاعاتی دانشجویان با کسب خودکارآمدی آنها رابطه معناداری وجود دارد. همچنین ارتباط مثبت و قوی میان سطوح مهارت‌های سواد اطلاعاتی و باور خودکارآمدی دانشجویان وجود داشت. از بین سطوح مهارت‌های سواد اطلاعاتی، سطح مهارت‌های پایه، جایگاه نخست، مهارت‌های سطح پیشرفته، مقام دوم و مهارت‌های مقدماتی، مقام سوم را از نظر تأثیرگذاری به خود اختصاص دادند. بین باور خودکارآمدی حاصل از سواد اطلاعاتی دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد تفاوت معناداری وجود داشت. بین میانگین خودکارآمدی حاصل از سواد اطلاعاتی دانشجویان حوزه‌های تحصیلی مختلف تفاوت معناداری وجود داشت و میانگین کسب‌شده برای حوزه علوم انسانی بیشتر از سایر حوزه‌ها بود.

قربان اغلو^۶ (۲۰۰۹) در پژوهش خود گزارش داد که سواد اطلاعاتی، کلید مهارت‌های لازم برای یادگیری مداوم است. با وجود این کسب مهارت‌های سواد اطلاعاتی به‌تنهایی برای موفقیت کافی نیست و افراد باید اعتماد به‌نفس در این مهارت‌ها را توسعه دهند. نتایج پژوهش نشان داد که باورهای خودکارآمدی کم، عامل محدودکننده‌ای برای افراد در زمینه استفاده از مهارت‌های سواد اطلاعاتی خویش بوده است. همچنین تعیین سطح باورهای خودکارآمدی برای سواد اطلاعاتی، امکان شناسایی افراد در معرض خطر را میسر کرد. بنابراین استفاده از مقیاس‌های خودکارآمدی به‌عنوان ابزار ارزیابی پیشنهاد شد.

در پژوهش دیگری آدتورو، سیمیسی و اوی‌فوگا^۷ (۲۰۱۰) به بررسی ارتباط بین خودکارآمدی و سواد اطلاعاتی در بین دانشجویان علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه نیجریه پرداختند. داده‌ها از ۱۰۸ دانشجوی کتابداری و اطلاع‌رسانی با استفاده از پرسشنامه خودکارآمدی و سواد اطلاعاتی گردآوری شد. با توجه به یافته‌ها مشخص شد که بین ادراک خودکارآمدی با سواد اطلاعاتی رابطه معناداری وجود دارد و نیز هیچ تفاوت معناداری بین جنسیت دانشجویان و سواد اطلاعاتی یافت نشد. اما در مورد ادراک خودکارآمدی، تفاوت معناداری بین جنسیت و خودکارآمدی مشاهده شد. در این پژوهش، استانداردهای آموزشی مهارت‌های سواد اطلاعاتی و نیز جلسات آشناسازی به‌منظور تقویت طرز تفکر و برنامه‌ریزی برای دانشجویان توصیه شد.

همان‌گونه که مشاهده شد، در برخی پژوهش‌ها، یافته‌ها بیانگر رابطه علت و معلولی میان مهارت‌های سواد اطلاعاتی و خودکارآمدی و در برخی دیگر نیز نشانگر تأثیرگذاری یکی بر دیگری بود. همچنین در بعضی پژوهش‌ها، عوامل جمعیت‌شناختی را بر کسب خودکارآمدی تأثیرگذار یافتند. بیشتر پژوهش‌ها به روش پیمایشی صورت پذیرفته و ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه بوده است. از سوی دیگر، با بررسی پیشینه موضوع و مرور متون مربوط، پژوهشی در زمینه بررسی وضعیت خودکارآمدی کتابداران و رابطه آن با سواد اطلاعاتی ایشان مشاهده نشد؛ بنابراین پرداختن به این موضوع ضرورت خواهد داشت.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی بود و به روش پیمایشی انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی کتابداران شاغل در کتابخانه‌های دو دانشگاه مذکور با مدرک تحصیلی کارشناسی یا کارشناسی ارشد رشته کتابداری یا غیرکتابداری بودند (۱۰۲ نفر). حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان تعیین شد (۸۰ نفر) که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای غیرنسبتی نمونه مورد نظر انتخاب شدند.

برای گردآوری داده‌ها، چندین پرسشنامه به منظور ارزیابی خودکارآمدی و همچنین سنجش سواد اطلاعاتی یافت شد، اما با توجه به مؤلفه‌ها و عناصر در نظر گرفته شده برای خودکارآمدی عمومی آلبرت بندورا و همچنین مهارت‌های سواد اطلاعاتی، پرسشنامه توسط پژوهشگر طراحی و سؤال‌های پرسشنامه بر اساس مطالعه منابع، پیشینه موضوع و مرور متون مربوط و همچنین الگوبرداری از نمونه‌های معتبر داخلی و خارجی استخراج شد (قربان اغلو، آق‌قویونلو و آيسان^۱، ۲۰۰۶؛ سبجانی شهری، ۱۳۹۰؛ نوکاریزی و دهقانی، ۱۳۹۲؛ برکه‌هارت، مک‌دونالد و رادرماخر^۲، ۱۳۸۷؛ داورپناه، قاسمی و سیامک، ۱۳۸۷؛ نیلی^۳، ۱۳۸۹).

در مجموع، پرسشنامه شامل سه بخش بود. قسمت نخست، مشخصات فردی کتابداران، شامل جنسیت، نوع دانشگاه، رشته تحصیلی، مدرک تحصیلی و سابقه کار بود؛ قسمت دوم به منظور آگاهی از میزان خودکارآمدی شامل ۲۲ گویه بر اساس طیف پنج‌ارزشی لیکرت طراحی شد. به هر گویه از صفر تا ۴ (هرگز = ۰؛ به‌ندرت = ۱؛ برخی مواقع = ۲؛ در اکثر مواقع = ۳ و همیشه = ۴) امتیاز تعلق گرفت. در این پژوهش، ابعاد خودکارآمدی با توجه به عناصر و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مفهوم خودکارآمدی عمومی آلبرت بندورا مورد توجه است، بنابراین عناصر

چهارگانه آن به تفکیک، تجربه‌های موفق، تجربه‌های جانشین، ترغیب کلامی یا اجتماعی، حالت‌های عاطفی و فیزیولوژیکی در نظر گرفته شد.

قسمت سوم پرسشنامه برای سنجش مهارت‌های سواد اطلاعاتی طراحی شد. در پژوهش حاضر، میزان سواد اطلاعاتی کتابداران با روش ارزیابی واقعی با ۲۲ سؤال چهارگزینه‌ای سنجیده شد. برای هر پاسخ صحیح، امتیاز یک و برای پاسخ‌های غیر صحیح، امتیاز صفر در نظر گرفته شد. در این پژوهش عناصر و ابعاد سواد اطلاعاتی با توجه به نتایج تحلیل عاملی پژوهش قربان اغلو، و دیگران (۲۰۰۶) در ترکیه که مهارت‌های سواد اطلاعاتی را بر اساس رده‌بندی بلوم^{۱۱} دسته‌بندی کرده است، به سه سطح مهارت‌های مقدماتی سواد اطلاعاتی (شامل تشخیص نیاز اطلاعاتی، تدوین پرس‌وجو و ارزیابی اطلاعات)، مهارت‌های پایه سواد اطلاعاتی (شامل مکان‌یابی اطلاعات، بازیابی و به‌کارگیری اطلاعات) و مهارت‌های پیشرفته سواد اطلاعاتی (شامل مستندسازی اطلاعات، تولید و اشاعه اطلاعات جدید) تفکیک شد.

روایی صوری و محتوایی پرسشنامه با استفاده از نظر اعضای هیأت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی و دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد بررسی شد و بر اساس آن اصلاحات لازم صورت گرفت. پایایی پرسشنامه نیز با محاسبه آلفای کرونباخ^{۱۲} (برای بخش خودکارآمدی ۰/۷۹ و برای بخش سواد اطلاعاتی ۰/۸۶) در یک نمونه مقدماتی شامل ۲۰ نفر از کتابداران دو دانشگاه (که عضو نمونه نبودند) تأیید شد. برای جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه‌ها در کتابخانه‌های مرکزی و کتابخانه‌های دانشکده‌های هر دو دانشگاه مذکور، با حضور پرسشگر توزیع شدند. تمامی پرسشنامه‌ها با رضایت کتابداران تکمیل و در همان مکان جمع‌آوری شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها دو روش آمار توصیفی و آمار استنباطی به کار رفت. در بخش آمار توصیفی توزیع درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار به کار گرفته شد و در بخش آمار استنباطی از آزمون کولموگروف و اسمیرنف یک‌نمونه‌ای^{۱۳} برای تعیین نرمال بودن متغیرها و همچنین آزمون‌های تی یک‌نمونه‌ای^{۱۴}، همبستگی پیرسون^{۱۵}، تی دونمونه‌ای مستقل^{۱۶} و تحلیل واریانس یک‌طرفه^{۱۷} استفاده شد. تمامی عملیات مربوط به تجزیه و تحلیل بر اساس داده‌های استخراج شده از پرسشنامه‌ها و با استفاده از نرم‌افزار آماری اس.پی.اس.اس^{۱۸} ویرایش ۲۰ صورت گرفت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های جمعیت‌شناختی پژوهش حاکی از آن است که از نظر جنسیت، بیشتر پاسخگویان زن بودند (۷۲/۵ درصد). از نظر نوع دانشگاه، ۵۱/۲ درصد از پاسخگویان در دانشگاه فردوسی و بقیه متعلق به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی مشهد بودند. بیشترین درصد

پاسخگویان، دانش آموخته کتابداری (۶۲/۴ درصد)، و سپس ۱۸/۸ درصد کتابداری پزشکی و بقیه نیز دانش آموخته سایر رشته‌ها محسوب می‌شدند. ۵۱/۲ درصد از کتابداران مدرک تحصیلی کارشناسی و بقیه، کارشناسی ارشد داشتند. همچنین در زمینه متغیر سابقه کار، گروه ۱ تا ۱۰ سال، ۳۲/۵ درصد؛ گروه ۱۱ تا ۲۰ سال، ۴۲/۵ درصد و گروه بیشتر از ۲۰ سال ۲۵ درصد حجم جامعه آماری را تشکیل می‌دادند.

در ادامه، نتایج تجزیه و تحلیل پرسش و فرضیه‌های پژوهش ارائه می‌شود. قبل از تعیین نوع آزمون‌های آماری کاربردی، لازم است از نرمال بودن متغیرها مطمئن شویم. به همین منظور از آزمون کولموگروف - اسمیرنف استفاده شد. بر اساس نتایج جدول ۱، سطح معناداری متغیرهای محاسبه شده بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بود، بنابراین فرض نرمال بودن توزیع آنها پذیرفته شد.

جدول ۱. نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنف

متغیرها	آماره Z کولموگروف - اسمیرنف	p-value	نتیجه
سواد اطلاعاتی	۰/۶۹۵	۰/۷۱۹	نرمال
خودکارآمدی	۱/۰۳۳	۰/۲۳۶	نرمال

در پاسخ به پرسش پژوهش، وضعیت خودکارآمدی کتابداران دانشگاه‌های فردوسی مشهد و علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی مشهد به این صورت محاسبه شد که نمرات بالاتر از نقطه ۸۰ درصد، «مطلوب» در نظر گرفته شدند (با اقتباس از پژوهش‌هایی مانند تویت و بوئما^{۱۹}، ۲۰۰۹؛ مصطفی و الزوعبی^{۲۰}، ۲۰۰۸؛ چیو و سلیم^{۲۱}، ۲۰۰۳). بنابراین نمره مطلوب خودکارآمدی عدد ۶۶ می‌شد. نخست میانگین نمرات خودکارآمدی کتابداران دو دانشگاه مذکور محاسبه شد و سپس با توجه به توزیع نرمال متغیر، با سطح مطلوب (نمره ۶۶) از طریق آزمون پارامتری تی یک نمونه‌ای مقایسه شدند. همان‌طور که یافته‌ها نشان داد، سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ بود ($p=0/072$) در نتیجه بین میانگین نمره خودکارآمدی کتابداران با سطح مطلوب تفاوت معناداری وجود نداشت و می‌توان گفت خودکارآمدی کتابداران جامعه تحت بررسی در سطح مطلوب قرار داشت.

جدول ۲. نتایج آزمون تی یک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین نمرات خودکارآمدی کتابداران با سطح مطلوب

متغیر	نوع دانشگاه	آماره تی	درجه آزادی	P-value	اختلاف میانگین
خودکارآمدی	دانشگاه فردوسی	-۱/۶۷۰	۴۰	۰/۱۰۳	-۱/۸۰۵
	دانشگاه علوم پزشکی	-۰/۹۵۵	۳۸	۰/۳۴۶	-۱/۲۵۶
	جمع	-۱/۸۲۴	۷۹	۰/۰۷۲	-۱/۵۳۷

در فرضیه اول به منظور بررسی رابطه بین دو متغیر خودکارآمدی و مهارت‌های سواد اطلاعاتی و با توجه به نرمال بودن متغیرها، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. همان‌طور که یافته‌های جدول ۳ نشان داد، سطح معناداری از عدد ۰/۰۵ کوچک‌تر ($p = ۰/۰۱۵$) بود و می‌توان گفت بین خودکارآمدی کتابداران دو دانشگاه و سواد اطلاعاتی آنها رابطه معناداری وجود داشت. در واقع، نتیجه به دست آمده از این فرضیه مؤید آن است که با تغییر یکی از این دو متغیر پژوهش، متغیر دیگر نیز تغییر می‌کند؛ چنانکه با افزایش خودکارآمدی، مهارت‌های سواد اطلاعاتی افزایش می‌یابد و برعکس.

جدول ۳. نتیجه آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه خودکارآمدی و سواد اطلاعاتی

متغیر	فراوانی	ضریب همبستگی پیرسون	p-value
خودکارآمدی	۸۰	۰/۲۷۱	۰/۰۱۵
سواد اطلاعاتی	۸۰		

همچنین در فرضیه دوم برای بررسی رابطه بین خودکارآمدی کتابداران با هر یک از سطوح سواد اطلاعاتی آنها، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. همان‌گونه که یافته‌های جدول ۴ نشان داد، سطح معناداری در رابطه بین خودکارآمدی و سطح مقدماتی سواد اطلاعاتی از عدد ۰/۰۵ بزرگ‌تر ($p = ۰/۲۱۵$) بود. یعنی بین خودکارآمدی کتابداران و سطح مقدماتی سواد اطلاعاتی آنها رابطه معنادار وجود نداشت. از طرف دیگر، سطح معناداری در رابطه بین خودکارآمدی و سطح پایه سواد اطلاعاتی و همچنین خودکارآمدی و سطح پیشرفته سواد اطلاعاتی از عدد ۰/۰۵ کوچک‌تر (به ترتیب با $p = ۰/۰۴۵$ ؛ $p = ۰/۰۲۵$) بود و می‌توان گفت بین خودکارآمدی کتابداران و سطوح پایه و پیشرفته سواد اطلاعاتی آنها رابطه معناداری وجود داشت.

جدول ۴. نتیجه آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه سطوح سواد اطلاعاتی و خودکارآمدی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	p-value
خودکارآمدی - سطح مقدماتی سواد اطلاعاتی	۰/۱۴۰	۰/۲۱۵
خودکارآمدی - سطح پایه سواد اطلاعاتی	۰/۲۲۵	۰/۰۴۵
خودکارآمدی - سطح پیشرفته سواد اطلاعاتی	۰/۲۵۰	۰/۰۲۵

در فرضیه سوم پژوهش تفاوت معنادار بین میزان خودکارآمدی کتابداران رشته‌های تحصیلی مختلف (کتابداری، کتابداری پزشکی و غیر کتابداری) در دو دانشگاه، با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه بررسی شد. همان‌گونه که یافته‌ها در جدول ۵ نشان می‌دهد، سطح معناداری از عدد ۰/۰۵ بزرگ‌تر ($p = ۰/۳۶۰$) بود. می‌توان گفت بین میانگین نمرات خودکارآمدی کتابداران رشته‌های تحصیلی مختلف در دو دانشگاه، تفاوت معناداری وجود نداشت.

جدول ۵. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه نمرات خودکارآمدی کتابداران در رشته‌های تحصیلی مختلف

متغیر	آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها		منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	p-value
خودکارآمدی	df ₂	df ₁	بین گروه‌ها	۱۱۷/۴۸۸	۲		
	۷۷	۲	درون گروه‌ها	۴۳۷۲/۴۰۰	۷۷	۱/۰۳۵	۰/۳۶۰
			جمع	۴۴۸۹/۸۸۸	۷۹		

در فرضیه چهارم به منظور بررسی تفاوت میان قضاوت پاسخگویان کارشناسی و کارشناسی ارشد در زمینه خودکارآمدی و تعیین معناداری بین میانگین‌های به‌دست آمده از قضاوت آنها، از آزمون تی دو نمونه‌ای مستقل استفاده شد. یافته‌های به‌دست آمده نشان داد که سطح معناداری از عدد ۰/۰۵ بزرگ‌تر ($p = ۰/۲۶۳$) بود. به بیان دیگر، می‌توان گفت با وجود تفاوت در میانگین دو نمونه، بین خودکارآمدی کتابداران دارای مدارک تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد، در سطح ۰/۰۵ در جامعه، تفاوت معناداری وجود نداشت.

جدول ۶. نتایج آزمون تی دو نمونه‌ای مستقل برای مقایسه میانگین نمرات خودکارآمدی کتابداران دارای

مدارک تحصیلی متفاوت

متغیر	مدرک تحصیلی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها	درجه آزادی	t	p-value
خودکارآمدی	کارشناسی	۴۱	۶۳/۵۴	۷/۸۲۰	Sig	۷۸	-۱/۱۲۸	۰/۲۶۳
	کارشناسی ارشد	۳۹	۶۵/۴۴	۷/۲۰۳	F			
					۰/۶۴۷	۰/۲۱۱		

در فرضیه پنجم پژوهش به منظور بررسی تفاوت میان قضاوت کتابداران دارای سوابق خدمت مختلف در زمینه خودکارآمدی و تعیین معناداری بین میانگین‌های به دست آمده از قضاوت آنها، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که سطح معناداری از عدد ۰/۰۵ بزرگ‌تر ($p = ۰/۲۲۱$) بود. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین خودکارآمدی کتابداران دارای سوابق خدمت مختلف در جامعه، تفاوت معناداری وجود نداشت.

جدول ۷. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نمرات خودکارآمدی کتابداران دارای سوابق خدمت مختلف

متغیر	آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها		منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	p-value
	df ₁	df ₂	Sig.				
خودکارآمدی	۲	۷۷	.۳۷۱	۴۳۱۷/۳۹۶	۷۷	۱/۵۳۸	۰/۲۲۱
				۱۷۲/۴۹۱	۲		
				۴۴۸۹/۸۸۸	۷۹		

بحث

یافته‌ها به طور کلی نشان داد که وضعیت خودکارآمدی کتابداران دو دانشگاه، در سطح مطلوب بود که این نتیجه با نتایج پژوهش الحادری^{۲۲} (۲۰۱۳) و جهانگیر (۱۳۹۳) همسو محسوب می‌شود. نتایج پژوهش الحادری حاکی از این بود که کارمندان و مدیران مؤسسات دولتی از خودکارآمدی مناسبی برای استفاده از فناوری اطلاعات برخوردار بودند. همچنین یافته‌های پژوهش جهانگیر نشان داد که میزان باورهای خودکارآمدی اعضای هیأت علمی به طور معناداری بیش از حد متوسط بود. اما نتایج پژوهش گراوند، کارشکی و آهنچیان (۱۳۹۲) که با هدف بررسی نقش محیط آموزشی - پژوهشی و عوامل اجتماعی دانشگاه بر خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام گرفت، نشان داد وضعیت خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان در سطح مطلوبی نبود. البته ایشان وضعیت خودکارآمدی پژوهشی را در دانشجویان تعیین کردند که قدری با خودکارآمدی عمومی مورد سنجش در این پژوهش متفاوت است. هرچند در ادامه گراوند و همکاران به این نتیجه دست یافتند که محیط آموزشی - پژوهشی و عوامل اجتماعی مطلوب سبب ارتقای خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان می‌شوند. چنانکه بندورا (۱۹۹۷) نیز بیان می‌کند، از عوامل اثرگذار بر تفاوت‌های فردی شاید عوامل محیطی، اجتماعی و تجارب پیشین باشند که سبب می‌شوند روحیه خودکارآمدی در فرد دستخوش تغییر شود. طبیعی است که

کتابداران در مقایسه با دانشجویان به لحاظ عوامل محیطی و اجتماعی، و همچنین از نظر میزان تجربه یکسان نیستند. پس این مغایرت‌ها و تفاوت‌ها تا حدودی منطقی به نظر می‌رسند.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که بین خودکارآمدی کتابداران و مهارت‌های سواد اطلاعاتی آنها رابطه معناداری وجود داشت. در واقع، نتیجه به دست آمده از این فرضیه مؤید آن است که با تغییر یکی از این دو متغیر پژوهش، متغیر دیگر نیز تغییر می‌کند؛ چنانکه با افزایش خودکارآمدی، مهارت‌های سواد اطلاعاتی افزایش می‌یابد و برعکس. در همین زمینه، در پژوهش قربان اغلو (۲۰۰۹) مشخص شد که باورهای خودکارآمدی پایین، عامل محدودکننده‌ای برای استفاده از مهارت‌های سواد اطلاعاتی بود. یافته‌های پژوهش هنگ و منصور^{۳۳} (۲۰۱۰) حاکی از این بود که میان آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی و بهبود خودکارآمدی دانشگاهی و عملکرد یادگیری دانشجویان رابطه علت و معلولی وجود داشت. همچنین در پژوهش آدتورو، سیمبسی و اوی‌فوغا (۲۰۱۰) مشخص شد که ارتباط مؤثر و معناداری میان میزان مهارت‌های سواد اطلاعاتی و خودکارآمدی دانشجویان کتابداری وجود داشته است که با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد. در داخل کشور نیز یافته‌های حاصل از پژوهش سبحانی شهر (۱۳۹۰) و پژوهش نوکاریزی و دهقانی (۱۳۹۲) نشان داد که بین مهارت‌های سواد اطلاعاتی دانشجویان با کسب خودکارآمدی آنها رابطه وجود داشت. در ارتباط با نتیجه این فرضیه و نتایج حاصل از پژوهش‌های مختلف در این زمینه، می‌توان به طور کلی اشاره کرد که با توجه به نظریه شناختی - اجتماعی بندورا (که اعتقاد دارد عملکرد و یادگیری انسان متأثر از گرایش‌های شناختی، عاطفی و احساسات، انتظارات، باورها و ارزش‌هاست) رسیدن به چنین نتیجه‌ای پیش‌بینی‌پذیر بود.

نتایج به دست آمده در زمینه رابطه خودکارآمدی با هر یک از سطوح سواد اطلاعاتی نشان داد که بین خودکارآمدی کتابداران با سطوح پایه و پیشرفته سواد اطلاعاتی آنها رابطه وجود داشت؛ اما رابطه معناداری بین خودکارآمدی و سطح مقدماتی سواد اطلاعاتی دیده نمی‌شد. نوکاریزی و دهقانی (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که در درجه نخست سطوح مهارت‌های پایه و پیشرفته، با خودکارآمدی و در نهایت سطح مهارت‌های مقدماتی با خودکارآمدی دانشجویان رابطه داشت. تفاوت اندک در نتایج این دو پژوهش، به رابطه سطح مقدماتی مهارت‌های سواد اطلاعاتی با خودکارآمدی مربوط است. به نظر می‌رسد که خودکارآمدی افراد در عملکرد آنها نمود بیشتری پیدا می‌کند و از آنجا که مهارت‌های مقدماتی (شامل تشخیص نیاز اطلاعاتی، تدوین، پرس‌وجو و ارزیابی اطلاعات) در سطوح اولیه مهارت‌های سواد اطلاعاتی جا گرفته است که بیشتر به آگاهی و شناخت فرد مربوط است و در عملکرد نمود کمتری دارد، بین خودکارآمدی با سطح مقدماتی رابطه‌ای یافت نشد.

به نظر می‌رسد در این زمینه و برای اطلاع از وجود یا نبود رابطه قوی و مناسب بین مهارت‌های مقدماتی و خودکارآمدی، به پژوهش‌های بیشتری در میان گروه‌های مختلف نیاز است.

در ادامه به بررسی رابطه میان متغیر خودکارآمدی با رشته تحصیلی پرداخته شد که یافته‌ها نشان داد بین میانگین نمرات خودکارآمدی کتابداران رشته‌های تحصیلی مختلف، تفاوت معناداری وجود نداشت. نتیجه پژوهش سبحانی شهر (۱۳۹۰) نیز حاکی از آن بود که تفاوت معناداری بین باور خودکارآمدی رشته‌های تحصیلی مختلف وجود نداشت که با نتیجه حاصل از این فرضیه پژوهش همسو بود. نتیجه پژوهش نوکاریزی و دهقانی (۱۳۹۲) نشان داد که بین خودکارآمدی دانشجویان حوزه‌های تحصیلی مختلف (فنی و مهندسی، کشاورزی، علوم پایه و علوم انسانی) تفاوت معناداری وجود داشت و میانگین کسب شده برای حوزه علوم انسانی بالاتر از سایر حوزه‌ها بود. اما ایشان به بررسی وجود یا نبود تفاوت در میان هر کدام از حوزه‌ها و رشته‌ها پرداختند. در پژوهش حاضر، چنین به نظر می‌رسد که چون بیشتر کتابداران شاغل در کتابخانه‌های مورد بررسی دانش آموخته رشته‌های علوم انسانی بوده‌اند، تفاوت معناداری بین نمرات حاصل از خودکارآمدی آنها یافت نشد. این احتمال وجود دارد که در درون یک حوزه، تفاوت زیادی بین خودکارآمدی افراد دیده نشود، ولی تأیید یا رد چنین فرضیه‌ای به پژوهش‌های بیشتری نیاز دارد.

همچنین همان‌گونه که یافته‌ها نشان دادند، تفاوت معناداری بین میانگین نمرات خودکارآمدی کتابداران کارشناسی ارشد و کارشناسی دیده نشد. سبحانی شهر (۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که همبستگی معناداری بین خودکارآمدی حاصل از سواد اطلاعاتی دانشجویان ورودی‌های مختلف وجود نداشت که به نوعی با نتیجه پژوهش حاضر همسو بود. در مجموع، برخلاف پیش‌بینی‌های اولیه مشاهده می‌شود که نظام آموزش عالی نقش شایان ملاحظه‌ای در ارتقای سطح خودکارآمدی دانشجویان ایفا نمی‌کند. به این معنا که تفاوتی در بین خودکارآمدی دانش آموختگان مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد و کارشناسی یافت نشد. هر چند بندورا (۱۹۹۴) اعتقاد دارد نظام آموزشی و بافت تعاملی بین اعضای نظام آموزشی باید به دانشجویان این باور را القا کند که می‌توانند کارها را در سازمان و اجتماع، بهتر انجام دهند.

در این پژوهش رابطه بین متغیر خودکارآمدی و سابقه خدمت نیز آزمون شد؛ همان‌گونه که یافته‌ها نشان داد، بین خودکارآمدی کتابداران دارای سابقه خدمت مختلف در جامعه، تفاوت معناداری وجود نداشت که این نتیجه با نتایج پژوهش مخزن (۱۳۹۰) و فیروزجائیان و نصیری (۱۳۹۰) نیز مطابقت داشت. چنین به نظر می‌رسد که با توجه به اینکه کمترین سابقه کاری ۱ تا ۱۰ سال در نظر گرفته شد (که خود زمان کوتاهی برای کسب تجربه کاری نیست) تفاوت در سوابق خدمت تأثیر چشمگیری بر روی

خودکارآمدی نداشته است. به تعبیر دیگر همه افراد تجربیات به نسبت خوبی برای خودکارآمد شدن کسب و در این زمینه خود را نزدیک به هم ارزیابی کرده‌اند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش

به طور کلی، مسئله مورد بحث در این پژوهش مشخص نبودن رابطه بین خودکارآمدی کتابداران جامعه هدف و مهارت‌های سواد اطلاعاتی آنها بود. همچنین وضعیت خودکارآمدی در جامعه مذکور مشخص نبود که با آزمون فرضیه‌ها و پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش به آنها پاسخ داده شد. اکنون نتایج این پژوهش شاید به آگاهی مدیران و مسئولان کتابخانه‌های دانشگاه فردوسی مشهد و علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی مشهد از وضعیت خودکارآمدی کتابداران شاغل در این دو دانشگاه منجر شود و به یادگیری مستقل و مداوم کتابداران، کمک شایانی کند؛ همچنین شاید نتایج در تدوین سیاست‌های صحیح و برنامه‌ریزی‌ها استفاده شوند. در پایان به مدیران پیشنهاد می‌شود که برای کتابداران خود فرصت‌هایی را به وجود آورند تا توسط افراد موفق آموزش ببینند. به بیان دیگر، تقویت باور خودکارآمدی افراد و در پی آن بهبود مهارت‌های سواد اطلاعاتی، مستلزم در دسترس قرار دادن نمونه‌های موفقیت است. از آنجا که یافته‌ها نشان داد نظام آموزش عالی نقش چشمگیری در ارتقای سطح خودکارآمدی دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد ایفا نمی‌کند، توصیه می‌شود نظام آموزشی و بافت تعاملی بین اعضای نظام آموزشی به ویژه روابط بین استادان و دانشجویان به گونه‌ای باشد که دانشجویان احساس توانمندی کنند و این باور را القا کنند که آنان می‌توانند کارها را در سازمان و اجتماع، بهتر انجام دهند.

پی‌نوشت

1. Albert Bandura
2. Self-efficacy
3. Zimmerman
4. Ferrari
5. kear
6. Kurbanoglu
7. Adetoro, Simisaye & Oyefuga
8. Kurbanoglu, Akkoyunlu & Aysun
9. Burkhardt, MacDonald MC & Rathemacher
10. Neely
11. Bloom's Taxonomy
12. Coefficient alpha (Cronbach)
13. One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test
14. One-Sample T Test
15. Pearson Correlation
16. Independent Samples T Test
17. One-Way ANOVA
18. SPSS: Statistical Package for Social Science
19. Toit & Bothma
20. Mustafa & Al-Zou'abi
21. Chiew & Salim
22. Al-Haderi
23. Heng & Mansor

منابع

۱. برکهارت، جوآناام؛ مک‌دونالد، مری سی؛ و رادرماخر، آندره‌جی (۱۳۸۷). آموزش سواد اطلاعاتی به دانشجویان: ۳۵ تمرین عملی بر مبنای استانداردهای سواد اطلاعاتی. ترجمه علی حسین قاسمی و حیدر مختاری. تهران: چاپار.
۲. جهانگیر، غلامحسین (۱۳۹۳). توسعه مدل پذیرش فناوری اطلاعات (TAM) از طریق سنجش تأثیر باورهای خودکارآمدی و ناکارآمدی کاربران بر پذیرش سامانه اطلاعات پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد (پژوهان)، مبتنی بر رویکرد شناختی - اجتماعی. پایان‌نامه دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی. دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
۳. داورپناه، محمد رضا؛ قاسمی، علی حسین؛ و سیامک، مرضیه (۱۳۸۷). سنجش سواد اطلاعاتی دانشجویان. تهران: دبیزش.
۴. سبحانی شهر، احسان (۱۳۹۰). بررسی تأثیر مهارت‌های سواد اطلاعاتی بر خودکارآمدی دانشجویان علوم پزشکی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی. دانشگاه پیام نور مشهد، دانشکده علوم انسانی.
۵. فیروزجائیان، علی اصغر؛ و نصیری، سپیده (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر خودآثربخشی در بین اساتید دانشگاه. فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، ۸ (۳۱)، ۵۰ - ۷۷.
۶. گراوند، هوشنگ؛ کارشکی، حسین؛ و آهنچیان، محمدرضا (۱۳۹۲). نقش محیط آموزشی - پژوهشی و عوامل اجتماعی دانشگاه در خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد. مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد، ۸ (۴)، ۳۲ - ۴۶.
۷. مخزن، بنفشه (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر خودکارآمدی مدیران مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه شهرستان کرج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی.
۸. نوکاریزی، محسن؛ و دهقانی، کلثوم (۱۳۹۲). تأثیر مهارت‌های سواد اطلاعاتی بر خودکارآمدی دانشجویان دانشگاه بیرجند. مجله پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۳ (۲)، ۱۵۳ - ۱۷۲.

۹. نیلی، ترزا (۱۳۸۹). سنجش سواد اطلاعاتی با استفاده از ابزارها و تکالیف استاندارد. ترجمه علی اکبر خاصه و رحیم علیجانی؛ ویراسته هادی شریف مقدم. تهران: چاپار.
10. Adetoro, N., Simisaye, A.O., & Oyefuga, A.B. (2010). Relationship between perceived self-efficacy and information literacy among library and information science undergraduate in a nigerian university of education. *Ife Psychologia*, 18(2), 172-191.
11. Al-Haderi, S. (2013). The effect of self-efficacy in the acceptance of information technology in the public sector. *International journal of business and social science*, 4(9), 188-198.
12. Bandura, A. (1994). Self-efficacy. In V. S. Ramachaudran (Ed.), *Encyclopedia of human behavior*. (Vol. 4, 71-81). New York: Academic Press.
13. Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The Exercise of Control*. New York: Freeman.
14. Chiew, K.T., & Salim, S.S. (2003). WEBUSE: Website Usability Evaluation Tools. *Malaysian Journal of Computer Science*, 16(1), 47-57.
15. Ferrari, J.R. (1991). A preference for a favorable public impression by procrastinators: Selecting among cognitive and social tasks. *Personality and individual differences*, 12(11), 1233-1237.
16. Heng, L. & Mansor, Y. (2010). Impact of Information Literacy Training on Academic Self-Efficacy and Learning Performance of University Students in a Problem- Based Learning Environment. *Pertanika Journal of Social Sciences & Humanities*, 18(2), 121-134.
17. Kear, M. (2000). *Concept Analysis of Self-efficacy, graduate research in nursing*, Retrieved Apr 5, 2014, from <http://www.graduateresearch.com/kear.htm>
18. Kurbanoglu, S., Akkoyunlu, B., & Aysun, U. (2006). developing the information literacy self-efficacy scale. *Journal of documentation*, 62(6), 730 – 743.
19. Kurbanoglu, S. (2009). Self-Efficacy: An alternative approach to the evaluation of information literacy. In: *International Conference on (QQML)Qualitative and Quantitative Methods in Libraries*. China, Greece, May 26-29.
20. Mustafa, S.H., & Al-Zou'abi, L. (2008). *Usability Of the Academic Websites of Jordan's Universities An Evaluation Study*, Retrieved September 5, 2014. From <http://eref.uqu.edu.sa/files/ere2/folders6/f37.pdf>
21. Toit, M., & Bothma, N. (2009). Evaluation the usability of an academic marketing department's website from a marketing student's perspective. *International Retail and Marketing Review*, 5(1), 15- 24. Retrieved April 5, 2014. from <http://uir.unisa.ac.za/handle/10500/3031>
22. Zimmerman, B.J. (2000). Self-efficacy: an essential motive to learn. *Contemporary Educational Psychology*, 25(1), 82-91.